



در پی درگذشت معصومه حائری،

عروس بزرگ امام:

## زنی امروزی که شیفته مدرن بودن سیدمصطفی شد

معصومه حائری، فرزند مرحوم آیت الله شیخ مرتضی حائری، عروس بزرگ امام خمینی و همسر سیدمصطفی خمینی روز پنجشنبه در سن ۸۶سالگی دار فانی را وداع گفت. او چهار فرزند داشت که دو تای آنها از دنیا رفتند و سیدحسین و مریم‌سادات خمینی دو فرزند باقی مانده او هستند. دختر او در خارج از کشور زندگی می‌کند و پسر او نیز فعالیت سیاسی خاصی ندارد. او برای اولین بار با تارنمای عصر ایران در سال ۱۴۰۰ مصاحبه کرد و درباره زندگی اش در کنار مصطفی خمینی، فرزند امام خمینی که در عراق در آبان ۵۶ درگذشت، سخن گفت و وجوهی از زندگی فرزند ارشد امام و فضای زندگی خاندان امام را که شاید کمتر بیان شده بود، مطرح کرد. البته این مصاحبه در کنار بحث محتوا به دلیل عکس‌هایی که از ایشان برای این گفت‌وگو منتشر شد، مورد توجه قرار گرفت و فضا سازی زیادی را به دلیل نحوه پوشش و حجاب او و همچنین اظهارات او درباره اعتقاد سیدمصطفی در مسئله حجاب به همراه داشت.

بر اساس همین تک‌مصاحبه به نظر می‌آید او زنی مستقل و جلوتر از زمانه خود بود. در بخشی از این مصاحبه درباره ازدواج خود گفته بود که «قصه ازدواج نداشته و می‌خواست ادامه تحصیل دهد و به کشورهای خارجی سفر کند اما بر اساس روال هر خانواده سنتی بر اساس نظر پدرش که ازدواج او بود، قبول کرد که ازدواج کند.» معیار او در انتخاب سیدمصطفی نیز تفاوت او در ظاهر و مدرن و امروزی بودن به رغم طلبه بودن بوده است؛ چنانچه در این زمینه گفته است: «حاج آقا مصطفی را که در میان بقیه طلبه‌ها مشخص بود و قد بلند و قیافه خیلی خوبی داشت و به نظر مدرن و امروزی می‌آمد دیدم و با اینکه روحانی و ملبس بود، اما معلوم بود که با سایر روحانیون و طلاب تفاوت دارد. من رضایت خودم را اعلام کردم و عقد خوانده شد و پس از یک سال ازدواج کردیم.» مرحومه در توضیح ویژگی‌های رفتاری و نظر حاج مصطفی درباره حجاب اینگونه توضیح داده است: «آقا مصطفی مثل بقیه آخوندها و روحانیون نبود و خیلی مدرن و امروزی بود و مثل برخی از روحانیون در خیلی از مسائل و موضوعات از جمله حجاب، سخت‌گیری نمی‌کرد و به من نمی‌گفت این جور روبروگیر و با آن گونه که در میان زنان نجف، به خصوص زن‌های روحانیون متداول و متعارف بود، از من نمی‌خواست مثل آن‌ها پوشیه بزنم ولی دیگران در این زمینه سخت‌گیری می‌کردند و اگر بدون پوشیه بیرون می‌آمدیم، به امام خبر و گزارش می‌دادند... خیلی مدرن و امروزی هم بود؛ به طوری که وقتی مسافرت می‌رفتیم، به من می‌گفت عبا یا هسان چادر عربی را از زری سرت بردار! من گمان می‌کردم قصد شوخی دارد و سر به سر من می‌گذارد؛ اما دیدم خیلی جدی می‌گوید وقتی بیرون می‌آیم، چادر را بردار و روسری به سر کن و خوب و محکم ببند و لباس مناسب بپوش تا راحت باشی و به راحتی تردد کنی. خودش هم چندان در بند تقیداتی که آخوندها دارند نبود.» وی در توضیح شخصیت امام خمینی نیز بر مدرن و امروزی بودن او نیز تأکید داشت و گفت: «آقا هم جزء بهترین شخصیت‌هایی بود که من دیده بودم. آقا، هم مهربان واقعی بود و هم خیلی امروزی و مدرن بود و یادم هست شب‌ها که برای نماز شب بلند می‌شد، مقداری سیب و پرتقال توی بشقاب می‌گذاشتم و می‌بردم و کنار سجاده ایشان می‌گذاشتم تا میل کنند. من با آقا زندگی کردم و از همه حرکات و سکنات آقا خوشم می‌آمد و هیچ وقت کاری نکرد که من ناراحت بشوم و خیلی به من علاقه داشت و همان طور که گفتم خیلی تمیز و مرتب بود و یادم هست یک بار گوشه قیابش به ظرف غذا یا چینی چیزی مثل آن خورد که فوری گوشه قبا را بالا زد و به طرف دستشویی رفت و قبا را درآورد و گوشه قبا را شست و برگشت. یک بار به ایشان گفتم شما که در خمین بزرگ شدی، چرا این قدر مدرن و امروزی و تمیز و مرتب هستی؟!» با این توصیفات و تعریفی که او در این گفت‌وگو انجام داده بود، تصویر جدیدی از خانواده امام خمینی پس از ۳۲ سال البته نزدیک به چهره‌ای که نعیمه اشراقی از امام خمینی در سخنانش مطرح می‌کرد، به ذهن متبادر شد. او طی همه این سال‌ها به دور از فضای رسانه زندگی ساده خود را ادامه داد و حال در سن ۸۶ سالگی درگذشت.

گفتنی است مراسم تشییع معصومه حائری صبح امروز در قم برگزار می‌شود.

آلیگارش‌ی‌ای که صاحبان قدرت و ثروت شکل می‌دهند و می‌بینیم که عملاً این موضوع فساد و مثلث فاسد را بیمه می‌کند.

یک سال دیگر انتخابات ریاست جمهوری است و راه‌اندازی گشت ارشاد مدیران یکی از وعده‌های آقای رئیسی بوده است. عدم به نتیجه رسیدن و حتی مشخص و شفاف نشدن ابعاد پیگیری آن در کشور، چه تأثیری بر جامعه دارد و چه نتیجه‌ای برای این دولت و آقای رئیسی رقم می‌زند؟

دولت‌مدران فکر نکنند که مردم این وعده‌ها را فراموش می‌کنند، مردم هیچ وعده‌ای را فراموش نمی‌کنند؛ به‌ویژه وعده‌های مقابله با فساد. تجربه نشان داده که بخش اعظم فسادخیزی‌ها در کشور ناشی از اصرار دولت‌ها بر حفظ شرایط است. به‌طور مشخص چندین‌بار بودن ارز در کشور یکی از عوامل فساد است. در سال ۱۴۰۲ میزان ارزی که با رقم غیرآزاد توزیع شده، حدود ۶۹ میلیارد دلار است. در حقیقت ۶۹ میلیارد دلار را دولت در ردیف‌های مختلف توزیع کرده است که کل این رقم‌ها پیراین از نرخ ارز آزاد در بازار است. در حال حاضر دلار ۲۸۸۰۰ تا ۴۲۰۰۰ تومان وجود دارد اما نرخ ارز در بازار آزاد فراتر از این ارقام است. این اصرار بر چندین‌باری بودن ارز، بیشترین سود را به رانت‌خواران بخشیده است. تأکید می‌کنم این به معنای گزارش یک فساد نیست بلکه گزارش زمینه‌فساد است.

آیا دولت سیزدهم توانایی راه‌اندازی گشت ارشاد مدیران را دارد؟ معتقدم که دولت رئیسی بر خلاف ادعاهای اولیه زودتر از دولت‌های گذشته در مقابل آلیگارش‌ی قدرت و ثروت دچار ناکارآمدی شد.

این موضوع نیت مجرمانه (که قاضی باید در مورد آن نظر دهد) را قابل تأمل می‌کند. در این شرایط فرصت‌هایی فراهم می‌شود تا این فرد خود را اثبات کند که سبب ناامیدی مردم می‌شود. برخوردی با این موضوعات سبب قوام جمهوری اسلامی و امیدواری مردم می‌شود اما رذوبنده‌های به وجود آمده اساساً مانع تحقق این اتفاقات می‌شود. رئیس دولت می‌گوید: «ما خودمان این فساد را کشف و افرادی را به دستگاه قضایی معرفی کرده‌ایم.» رئیس دستگاه عدلیه می‌گوید: «کسی به ما معرفی نشده و ما در حال رسیدگی به این پرونده هستیم.» رئیس دولت بعد اعلام می‌کند: «این فساد نبوده و فسادنمایی بوده است.» این رفتارها سردرگمی عجیبی را سبب می‌شود. از سوی دیگر اخیراً فساد به میزان ۱۰۸ میلیارد تومان در کشتیرانی (بندر ماهشهر) رخ داده است. مسئول امور مالی کشتیرانی بندر ماهشهر این ثروت را به تاراج برده است. در حالی که برداشت از حساب‌های دولتی یا چند امضا امکان‌پذیر است.

چقدر در جلوگیری از این نوع فسادها دولت را مرتبط به موضوع می‌داند؟

فساد از رهگذر ارتباط با دولت (دولت به معنای دولت رئیسی یا روحانی نیست) رخ می‌دهد. واگذاری‌هایی که در دولت آقای روحانی اتفاق افتاد، بدون مساعدت و همراهی دولت صورت پذیرفته است؛ در این دولت ماشین‌سازی تبریز با آن عظمت را به مش قریانعلی واگذار کردند که همشهری ما بود. مش قریانعلی پس از دستگیری گفت: «به من ۵۰۰ میلیون دلار ارز دادند که ورق فلزی وارد کنم اما تحریم‌ها اجازه نداد و ناچار شدم آن را وارد بازار آزاد کنم و از منفعتی که از مابه‌التفاوت ارز دولتی و آزاد به دست آوردم ماشین‌سازی تبریز را خریدم.» من معتقدم مش قریانعلی ویرترین بود و افراد دیگری پشت پرده این ماجرا بودند و حتی ۵۰۰ میلیون دلار نیز از کشور خارج شد. چنین فسادهایی نمی‌تواند بدون اتصال به دولت رخ دهد. واگذاری‌های دیگر مانند هپکو، هفت تپه و... که در حال حاضر پشت سر هم باطل می‌شود، بدون همدستی و همراهی دولتی اتفاق نمی‌افتد. فسادها از رهگذر امکانات و اختیارات دولت‌ها رخ می‌دهد.

در مسیر جلوگیری از افزایش فساد و مقابله با فسادهای فعلی چه راهی پیش روی کشور است؟

باید به جای پرداختن به موضوعاتی مانند گشت ارشاد مدیران، امکان نظارت اجتماعی را وسیع‌تر و عمیق‌تر کنیم. مردم به عنوان صاحبان اصلی کشور بهترین نظارت را خواهند داشت. ضمن آنکه با این اقدام خواست و اراده ملت در قدرت تجلی پیدا می‌کند. وقتی نمایندگان یا رئیس جمهوری برآمده از اراده و خواست مردم باشند می‌توان ادعا کرد که فساد می‌تواند به صورت قاطع مورد رسیدگی قرار گیرد. اگر هدف امیدوار ساختن مردم است، راهی به جز مقابله با فساد وجود ندارد.

نظام سیاسی و تلاش او برای مبارزه است و ربطی به قوای سه‌گانه در کشور ندارد. قوه مجریه در کشور ما چقدر قدرت دارد؟ مهم سیستم و شبکه‌های است که وجود دارد و باید بحث را سیستمی نگاه کرد، نه اینکه خورده سیستمی نگاه کنیم و بخواهیم مشکل کل سیستم را حل کند. کل مجموعه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را باید یک کل اجتماعی فرض کرد و اگر اراده این کل بر گشت ارشاد مدیران باشد در نتیجه از صدر تا ذیل مورد ارزیابی قرار می‌گیرند و از خود مجلس، دولت و قوه قضائیه کار شروع خواهد شد. اگر قوه قضائیه توانست دادگاه‌های خود را از پارتی و رشوه پاک کند، یعنی با فساد مبارزه کرده است. اگر قوه مجریه توانست افراد ناکارآمد را حذف کند، با فساد مبارزه کرده است. الان سه سال از عمر دولت می‌گذرد، چند نفر از مدیران ناکارآمد حذف شده‌اند؟ یا در مجلس کدام نماینده ناکارآمدی حذف شده است؟ با نگاه کل و سیستمی هیچ نهاد خاصی مسئولیت ندارد بلکه کل نظام مسئولیت دارد.

حکومت ما برای شروع این گشت ارشاد باید از کدام نهاد شروع کند؟ هر پرونده فسادیه سه ضلع اصلی دارد: اول کسانی که سوءاستفاده مالی می‌کنند و در رأس هرم قرار دارند. گروه دوم لابی‌گر یا دلال این افراد هستند و این افراد سوءاستفاده‌گر را به امتیازات موجود به‌ویژه رانت‌های دولتی وصل می‌کنند. دسته سوم، افراد نزدیک به قدرت هستند که از طریق دلال‌ها به مختلسین ربط پیدا می‌کنند. اگر نگاهی به مجموعه پرونده‌های بزرگ ایران داشته باشیم که جمع آنها به ده‌ها میلیارد دلار براساس نرخ روز می‌رسد، این سه ضلع در آن وجود دارد. متأسفانه در گذشته به‌طور عمده رأس هرم (اختلاس‌گران) مورد مجازات قرار گرفتند و مجازات لابی‌ها یا افراد قدرتمند که آلیگارش‌ی قدرت را شکل داده‌اند، شفاف نبوده است. اما مهم این است که سرنوشته پول‌های اختلاس شده هم مشخص نشده است. مبلغ برخی از پول‌های اختلاس شده (از دهه ۷۰ به بعد) بیش از بودجه اعتبارات عمرانی آن سال بوده است اما سرنوشته این پول‌ها مشخص نشده است. گاهی اسامی سه ضلع مثلث بر خورد شود. گاهی اسامی خاصی مطرح می‌شود که یا آنها مجازات می‌شوند یا مجازات‌شان در گذر زمان محو می‌شود. اما نتیجه عدم برخورد با فساد شکل‌گیری آلیگارش‌ی قدرت و ثروت است؛



## احمد علی‌رضاییگی نماینده تبریز در مجلس:

# دولت و مجلس برآمده از اراده مردم می‌تواند با فساد به صورت قاطع مقابله کند

اینطور به نظر می‌رسد که مجلس از جایگاه نظارتی خود در راستای تحقق وعده‌های انتخاباتی چندان استفاده نکرده است تا جایی که نمایندگان به جای سوال از رئیس جمهور و طرح موضوع با وزیران از طریق رسانه‌ها به نقد دولت می‌پردازند. از جمله این موارد راه‌اندازی گشت ارشاد مدیران به عنوان یکی از وعده‌های رئیسی است، چنانچه چندی پیش معین‌الدین سعیدی، در روزهای پایانی این دوره‌ی مجلس این موضوع را در گفت‌وگویی مطرح و خواهان پاسخ‌گویی به آن از سوی دولت شده است. در این زمینه احمد علی‌رضاییگی، عضو کمیسیون امور داخلی و شوراهای کشور در مجلس درباره فساد در دولت و شروع به کار گشت ارشاد مدیران با هم‌میهن گفت‌وگو کرده است که در ادامه می‌آید:

یکی از وعده‌های ابراهیم رئیسی، ایجاد گشت ارشاد مدیران برای مقابله با فساد است و حالا با توجه به وضعیت پیش‌آمده در کشور و دغدغه گسترده شدن فساد به نظر شما چرا مجلس شکل‌گیری گشت ارشاد مدیران و محاصل آن را پیگیری نکرده است؟

به دلیل یکدست و هم‌سوی بودن مجلس و دولت این اتفاق رخ نداد. وقتی ۲۲۰ نماینده از آقای رئیسی می‌خواهند که وارد انتخابات ریاست جمهوری شود و ۲۵۰ نماینده رئیس ستادهای انتخاباتی رئیسی در مناطق خود بودند، با وجود این همگرایی، مجلس حس می‌کرد اگر با موضوعاتی برخورد کند، به خودش ضربه می‌زند، چرا که دولت را مجلس تشکیل داده بود؛ به صورتی که نمایندگانی حس کردند، به راحتی افرادی را به عنوان مسئول جا بزنند. این موضوع آنقدر پررنگ شد که از طرف مقام معظم رهبری مورد اعتراض واقع شد و اینطور واکنش نشان دادند: «نمایندگان در انتصابات دخالت نکنند.» این موضوعی بود که قبلاً هم وجود داشت اما آنقدر بزرگ نبود که رهبری به آن ورود پیدا



با انجام همین کار بزرگترین گشت ارشاد رخ می‌دهد و حتی نیازی نیست که دولت بگوید در حال اجرای گشت ارشاد است. اگر رسانه‌ها در کشور آزاد باشند، طبیعتاً شفافیت نیز رخ خواهد داد و با شفاف بودن همه چیز به‌طور طبیعی اتفاق خواهد افتاد؛ گشت ارشاد چیزی جز رسانه‌های نیستند. لذا بعد می‌دانم در دوره آقای رئیسی تحول خاصی در رسانه‌ها صورت گرفته باشد و براین اساس بگویم گشت ارشادی هم شکل گرفته است.

در صحبت‌هایتان به شبکه‌های قدرت اشاره کردید. آیا این انتظار را دارید که آقای رئیسی با توجه به اینکه زمانی رئیس قوه قضائیه نیز بودند بتوانند گشت ارشاد را با توجه به وعده‌ای که دادند در کشور اجرایی کنند؟

نه، آقای رئیسی در شرایط و جایگاهی نیستند که در کشور بتوانند از پس این کار بربیایند. ایشان شخص صاحب قدرت و نفوذی نیست و در گردونه یک شبکه است که آن گردونه، ایشان را مدیریت می‌کند. اگر آن گردونه تصمیم به مبارزه با فساد بگیرد و قصد داشته باشد فساد را حل کند، بخشی از مسئله حل خواهد شد. اما شخص آقای رئیسی از نظر من موضوعیت ندارد که از ایشان مطالبه‌ای داشته باشیم. اساساً در نظام‌های سیاسی جدید شخص کاره‌ای نیست، آن شبکه قدرتی که شخص در درون آن قرار دارد و فرد را به قدرت می‌رساند باید اراده راه‌اندازی گشت ارشاد و مبارزه با فساد را داشته باشد تا شخصی که در

کنند و نمایندگان را نپهی کنند. نمایندگان دولت را متعلق به خود می‌دانند، بنابراین مرزبندی بین قوه مجریه و مقننه از بین رفته بود. حتی بخش قابل توجهی ایرادات شورای نگهبان به نمایندگان نیز درباره عزل و نصب بود. نتیجه این دخالت انتصاب آدم‌های کم‌توان در پست‌ها شد و آسیب‌های زیادی از جمله روتق گرفتن زد و بندهای اداری، فساد و رانت‌خواری را به وجود آورد.

به نظر شما دولت سیزدهم شرایط ایجاد گشت ارشاد مدیران را داشته یا در ادامه دارد؟

دولت سیزدهم محصول ائتلاف است. یعنی دولت رئیسی برآیندی از گروه‌های مختلف اصولگرا است که هر کدام سهم‌هایی برای خود متصورند و رئیسی به آنها وعده‌هایی داده است. من پس از اعلام نهایه‌ی اسامی داوطلبان ریاست جمهوری ۱۴۰۰ گفتم: «دولتی سرکار خواهد آمد که تمام توان آن صرف ادای سهم‌های وعده‌داده شده است.» اینطور هم شد و به نظر می‌آید دولت برای جبران پشتوانه ضعیف مردمی، به جای استفاده از آدم‌های کاردان و مجرب، تلاش کرد سهم‌ها را برآورده کند. نتیجه اقدامات آن هم شرایط کنونی با نارسایی‌های قابل تأمل است. البته درباره تشکیل گشت ارشاد مدیران در کشور من ناامید نیستم، چرا که روزنه‌هایی وجود دارد و با برخی متخلفان برخورد‌هایی صورت می‌گیرد. اما برخوردها گسترده و التیام‌بخش آلام مردم نیست. در مورد آقای صدیقی، امام‌جمعه موقت تهران، آنها که کورسواد حقوقی دارند، می‌دانند که برای انتصاب جرمی به یک نفر به سه عنصر نیاز است؛ اول، عنصر قانونی است، به معنای آنکه کتاب قانون از آن جرم اسم برده و کم و کیف آن بر شماری شده باشد. دوم، عنصر مادی یا رخ دادن جرم است که صدیقی اظهار کرد طبق یک اشتباه این موضوع حادث شده است. پس عنصر مادی هم اتفاق افتاده است. سوم، عنصر معنوی یا نیت مجرمانه است که قاضی باید در مورد احراز آن نظر دهد. در این باره هم، صدیقی اعلام کرد امضایش جعل و ملک عمومی به او منتقل شده است. اما مشخص شد که حاج آقا شخصاً در دفتر خانه حاضر شده و مدارک را امضا کرده است.

رأس است نیز چنین کاری را انجام دهد. اول باید دید آقای رئیسی از کدام شبکه قدرت است و گفتمان سیاسی این شبکه قدرت چیست و جایگاه و نقش او در ساختار قدرت کشور چیست و بعد ببینیم اگر در درون گفتمان آن شبکه قدرت شفافیتی یا مبارزه با فساد بود می‌توان امیدوار بود که این کار شدنی است. در ایام تبلیغات جمله‌ای برای ایشان نوشتند و ایشان نیز آن را خواندند، حالا باید دید کسانی که این جمله را نوشتند اراده و قصدی برای اجرای آن دارند یا خیر.

آقای رئیسی گشت ارشاد مدیران را زیر نظر بازرسی ریاست جمهوری شکل دادند، فکر می‌کنید قوه قضائیه بهتر می‌تواند به مقابله با فساد بپردازد یا قوه مجریه؟

مبارزه با فساد اساساً یک امر سیاسی در سطح کل سیستم است و نه تنها به قوه قضائیه مربوط می‌شود، بلکه نه به مجلس به تنهایی مربوط است و نه قوه مجریه. سیستم سیاسی باید در درون خود یک گفتمان مبارزه با فساد شکل دهد و بحث بر سر

